

کتابخانه‌های مسلمانان در هند؛ از رونق تا افول

محسن محمدی^۱

مرتضی اشراقی^۲

چکیده:

یکی از نمودهای گذشته علمی غنی و پربار مسلمانان در هند، مراکز و نهادهای علمی مانند کتابخانه‌هاست که نشانگر حیات علمی یک کشور هستند. در تاریخ مسلمانان هند با کتابخانه‌های معتبری مانند نواب روهیله، ممتاز العلماء، ناصریه، مدرسه الواعظین، راجه محمودآباد و رضا آشنا می‌شویم که کتب بسیار نفیس و ذی قیمتی را در خود جا داده بودند. از مهم‌ترین عوامل رونق کتابخانه‌های مسلمانان در هندوستان حکومت‌های مسلمان بودند. حاکمان مسلمان علاوه بر این که خود اهل علم بودند، عالمان و هنرمندان را نیز گرامی می‌داشتند که آثار آن در مهاجرت علما به هند و تاسیس مراکز علمی مانند انواع کتابخانه‌ها مشاهده می‌شود. ولی این رونق با پایان حکومت‌های مسلمان در هند و سیطره استعمار انگلیس به پایان رسید و استعمارگران نه تنها سرمایه‌های اقتصادی و سیاسی هندوستان را به غارت بردند بلکه سرمایه‌های علمی و فرهنگی آن را نیز به کتابخانه‌ها و موزه‌های اروپا بردند. در این بین فقط تلاش‌های فردی علمای دلسوز بود که بخشی از این سرمایه را حفظ کرد و مانع از تاراج کل این سرمایه شد.

واژگان کلیدی: هندوستان، مسلمانان، کتابخانه، گورکانیان، اوده، دکن، استعمار انگلیس

۱. پژوهشگر پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای.

۲. پژوهشگر پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای. تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۱۲ تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۱۰/۲۸

مقدمه

با توجه به ویژگی‌های اسلام، خاصه در ترغیب به علم و دانش‌اندوزی همیشه و در همه حال مسلمانان در سراسر دنیا به امر آموزش و پرورش سخت علاقه‌مند بوده‌اند. در نتیجه این شوق و رغبت مسلمانان به امور تعلیم و تربیت در کنار ایجاد مدارس و مراکز آموزشی، اقدام به تأسیس کتابخانه در کشورهای مختلف جهان اسلام امری طبیعی به شمار می‌آمده است. از این‌رو، در منابع مختلفی که درباره پیشینه و قدمت کتابخانه در جهان اسلام وجود دارد همواره از وجود کتابخانه‌های بزرگ و کوچک در سراسر سرزمین‌های اسلامی سخن گفته شده است.

در شبه قاره هند به ویژه از دوره تیموریان (گورکانیان) به تأسیس کتابخانه و گردآوری کتاب‌های گران‌بها و نادر توجه بسیار می‌شده است حتی برای غنی ساختن کمی و کیفی مجموعه کتابخانه، بنیانگذاران و دست‌اندرکاران تأسیس کتابخانه از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزیدند و تا آنجا پیش می‌رفتند که جهت تکمیل ذخائر کتابخانه و فراهم آوردن نسخه‌های معتبر و گاه متعدد، کاتبان و نسخه‌نویسان و تذهیب‌کارانی را استخدام کرده تحت حمایت مالی و معنوی خود قرار می‌دادند. آنان نیز با خیالی آسوده و بدون دغدغه معیشتی به امر کتابت، نسخه‌نویسی، تذهیب و صحافی کتاب‌ها مشغول می‌شدند.^۱

این مقاله در خصوص کتابخانه‌های مسلمانان در هند در سه محور به بحث می‌پردازد: ۱- معرفی کتابخانه‌های مسلمانان در هند؛ ۲- عملکرد و سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی حاکمان مسلمان به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل رونق این کتابخانه‌ها؛ ۳- بررسی نقش استعمار در افول آن‌ها.

۱. ر.ک: فهرست نسخه‌های خطی [کتابخانه‌های هند]، مرکز تحقیقات زبان فارسی در هند، دهلی نو، ۱۳۶۴ - / ۱۹۸۶ م؛ میراث مشترک ایران و هند: کتابهای چاپی کهن فارسی و عربی شبه قاره در کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)، علی صدرایی‌خویی با همکاری ابوالفضل مرادی، حجت ذبیحی فر؛ زیرنظر محمود مرعشی نجفی، کتابخانه بزرگ حضرت آیه‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی، قم، ۱۴۳۴ ق. = ۲۰۱۳ م. = ۱۳۹۲.

معرفی کتابخانه‌های مسلمانان در هندوستان

کتابخانه‌های مسلمانان در هند از بزرگ‌ترین ذخائر علمی جهان اسلام به حساب می‌آید که در موضوعات مختلف علمی کتاب‌های معتبر و دست اولی را در خود جا داده بود. به همین خاطر این کتابخانه‌ها مورد توجه عالمان بزرگی همچون علامه امینی قرار گرفت و آنها را برای تحقیق به کتابخانه‌های هند کشاند. یادداشت‌هایی که از این عالم بزرگ بر جای مانده است بر ارزش این کتابخانه‌ها تأکید دارد. ایشان به قدر ممکن از کتب نفیس این کتابخانه استفاده کرد و در بعضی موارد از نسخ نادر استنساخ نمود. علامه امینی در سفرنامه خود آماری از کتابخانه‌های هند را که شخصاً مشاهده کرده بود به این شرح آورده است: کتابخانه ناصریه لکنهو: ۳۰۲۰۰۰ نسخه خطی و غیرخطی؛ کتابخانه مدرسه الواعظین: ۲۰۰۰۰ نسخه با مقداری خطی نفیس؛ کتابخانه سلطان المدارس: ۵۰۰۰ نسخه با مقداری خطی منحصر به فرد؛ کتابخانه ممتاز العلماء: ۱۸۰۰۰ نسخه و بیش از این تعداد خطی؛ کتابخانه فرهنگی محل: ۹۰۰۰ نسخه و ۴۰۰۰ نسخه خطی؛ کتابخانه ندوة العلماء: حدود ۶۰۰۰۰ نسخه؛ کتابخانه امیر الدوله: بیش از ۱۱۰۰۰۰ نسخه.^۱

در ادامه مهم‌ترین کتابخانه‌های مسلمانان هند را مرور می‌کنیم.

۱- کتابخانه نواب روهیله

در زمان سلطنت محمد شاه تیموری در دهلی، منطقه روهیله در دست یکی از نوابان به نام حافظ رحمت الله خان بود که از ارادتمندان خاندان رسالت بود و به علما و سادات و دانشمندان احترام خاصی می‌نمود. در سال ۱۱۸۸ ق / ۱۷۷۴ م نواب شجاع الدوله به روهیله حمله کرد و حافظ رحمت الله خان را به قتل رساند. از جمله غنائمی که وی با خود به لکنهو حمل کرد کتابخانه بزرگ نواب روهیله بود.^۲

پس از انتقال کتاب‌های کتابخانه روهیله به لکنهو، مدتی کتاب‌ها در کتابخانه

۱. تالیفات شیعه در شبه قاره هند، ص ۱۴.

۲. تالیفات شیعه در شبه قاره، ۱۳ و ۱۴.

سلطنتی بود و سپس عمارتی برای حفاظت آنها در محله توپخانه در نظر گرفته شد. عمارت کتابخانه از ملحقات «رزیدنسی» مشهور به «بیلی گارد» محل اقامت فرماندهان و سفیران انگلیس بود. کتابخانه در طبقه دوم این عمارت قرار داشت و لذا توجه خاصی به کتاب‌ها نمی‌شد. اشرپ‌ینگر درباره این کتابخانه می‌نویسد: "تمام کتاب‌ها در صندوق‌های بدون حفاظ قرار داده شده... تالار کتابخانه مخزن موش‌ها و حشرات موذی است... در آخر تالاری که کتاب‌ها در آن قرار دارد صندوق‌هایی دیده می‌شود که کلیه کتاب‌های آن را موربانه تلف کرده‌اند... متأسفانه مقامات دولتی بیشتر توجه به تعداد کتاب‌ها دارند و لذا از ارزش نسخ نادر و نفیس بی‌اطلاع می‌باشند لذا متصدیان کتابخانه از این غفلت استفاده کرده و کتاب‌های ذی‌قیمت را می‌فروشند و بجای آن نسخه‌های بی‌ارزش را قرار می‌دهند." ^۱ معرفی کتب نفیس این کتابخانه را اشرپ‌ینگر ضمن سه گزارش در مدت اقامت خود در لکنهو برای انگلیسی‌ها ارسال داشته است.

۲- کتابخانه ممتاز العلماء

سید محمد تقی فرزند سید العلماء نوه دلدار علی نقوی بود که در لکنهو به دنیا آمد و از پدر و عمویش (سلطان العلماء) تلمذ کرد و از ایشان و صاحب جواهر در سن ۲۸ سالگی اجازه اجتهاد گرفت. ^۲ ایشان را جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول معرفی کرده‌اند. ^۳ ایشان علاقه زیادی به جمع‌آوری کتاب‌های نفیس و ارزشمند داشت و برای حفاظت نسخ نفیس و نادر، کتابخانه تأسیس نمود و در کنار کتابخانه، مسجد و حسینیه بنا کرد. ^۴ مولانا سید آقا مهدی در کتاب خود «تاریخ کا خونچکان ورق»، کتابخانه ممتاز العلماء را چنین معرفی کرده است:

۱. "کتابخانه‌های لکنهو"، ص ۱۸۴.

۲. نهضة الخواطر، عبدالحی حسینی ترمذی، ج ۷، ص ۱۰۹۰، دار ابن حزم، بیروت، لبنان، ۱۴۲۰ق.

۳. تکمله نجوم السماء، میرزا محمد مهدی لکنهوی کشمیری، ج ۱، ص ۲۹۹، مکتبه بصیرتی، قم.

۴. ر.ک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ممتاز العلماء با گزارشی از خاندان علمی غفران ماب، صادق حسینی اشکوری، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۵.

«کتابخانه ممتاز العلماء مجموعه‌ای از کتب اسلامی در زمینه‌های مختلف تفسیر، فقه، حدیث، کلام و مناظره است؛ که بیشتر نسخ موجود در این کتابخانه از نوادر نسخی است که در کشورهای دیگر به زحمت به دست می‌آید. از جمله نسخ نادر این کتابخانه تفسیر کامل ثعلبی است که تاریخ کتابت آن حدود صد سال پس از وفات مؤلف است. همچنین صحیفه سجادیه به نظر شهید اول، تفسیر منبع عیون المعانی و فقه رضوی منقول از نسخه اصل و صدها کتاب و نسخه دیگر از جمله نفایس این گنجینه بزرگ اسلامی است. در سال ۱۸۵۷م که میراث فرنگی اسلام توسط انگلیس‌ها به غارت می‌رفت به این کتابخانه نیز حمله شد، اما غارتگران نتوانستند از این گنجینه کتابی خارج کنند. مجموعه نسخ موجود در کتابخانه تا سال ۱۳۵۰ق ۴۲۴۱ نسخه بوده است.»^۱

۳- کتابخانه ناصریه

امروزه کتابخانه ناصریه یکی از گنجینه‌های علمی و دینی هند است. بانی این کتابخانه عظیم، علامه جلیل سید محمد قلی، پدر علامه میر حامد حسین رحمه الله علیهما است. وی علاوه بر تألیفات متعدد در زمینه فرهنگ و معارف اسلامی، اقدام به تأسیس کتابخانه‌ای بزرگ جهت استفاده علما و محققین و پژوهشگران نموده و در زمان حیاتش این کتابخانه را وقف اولاد خود کرد. پس از رحلت علامه سید محمد قلی فرزند برومندش علامه میر حامد حسین کار پدر را دنبال کرد و همزمان با تألیف و تصنیف و تصحیح و ترتیب کتاب‌های پدر به توسعه کتابخانه نیز پرداخت.^۲

وی برای تألیف دائرة المعارف اعتقادی بزرگ شیعه «عبارات الانوار»، نیاز به منابعی داشت که در هند به آسانی به دست نمی‌آمد. لذا همراه برادرش سید اعجاز حسین صاحب کتاب کشف الحجب و الاستار، برای تهیه کتاب‌های موردنظر به اکثر کشورهای اسلامی سفر کرد و با خرید صدها کتاب بر توسعه این ذخیره علمی همت گماشت. ایشان علاوه بر سفرهای مکرر به مناطق مختلف، کتاب‌های موردنظر را توسط

۱. تالیفات شیعه در شبه قاره هند، ص ۱۵

۲. ر.ک: سیری در کتابخانه‌های هند و پاکستان، ص ۲۵۰ و ۲۵۱.

دوستانش نیز تهیه می‌کرد. در سال ۱۲۸۲ برای حج و زیارت رفت و از کتب نادره حرمین اقتباس کرد و به هند برگشت. ایشان در جمع‌آوری کتب نادر از کشورهای دور مانند مصر و شام بسیار تلاش کرد.^۱

پس از رحلت علامه میر حامد حسین تولیت کتابخانه به فرزندش علامه سید ناصر حسین تفویض گردید. در زمان تصدی ایشان کتابخانه رونقی بیشتر یافت و در محل کتابخانه نیز تغییرات اساسی به وجود آمد و عمارتی بزرگ برای کتابخانه آماده گردید و کتاب‌ها به محلی که تاکنون به عنوان کتابخانه ناصریه مشهور است منتقل شد. این کتابخانه دارای بیش از سی هزار کتاب است که حدود ۵۰۰۰ نسخه آن را کتاب‌های خطی تشکیل می‌دهد و اکثر نسخ خطی این کتابخانه از نوادر است.^۲

علامه امینی در دیدار از این کتابخانه به عظمت علمی آن اذعان دارد و می‌گوید اگر چنین کتابخانه‌ای در غرب بود همه عالم را به آن فرامی‌خواندند و به آن فخر می‌فروختند.^۳

۴- کتابخانه مدرسه الواعظین

مدرسه الواعظین یکی از بزرگ‌ترین مدارس علوم دینی شیعه در هند است. مؤسس این مدرسه آیت الله سید نجم الحسن نجم العلماء امروهوی بوده است. این مدرسه دارای کتابخانه بزرگی برای استفاده طلاب و مدرسین^۴ شامل ۲۵۰۰۰ نسخه خطی و چاپی است.^۵

۵- کتابخانه راجه محمود آباد

راجه امیر حسین خان مردی عالم و فاضل بوده و کتابخانه‌ای تأسیس کرده که دلالت بر ذوق علمی وی دارد. پس از فوت امیر حسن امیر الدوله پسرش راجه علی محمد خان

۱. نزهة الخواطر، ج ۸، ص ۱۲۰۷.

۲. تالیفات شیعه در شبه قاره هند، ص ۱۶.

۳. دو سند در مورد کتابخانه ناصریه هند، عبدالله غفرانی، ص ۱۹۳، مجله سفینه، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۸۷.

۴. رک: سیری در کتابخانه‌های هند و پاکستان، ص ۲۴۸ و ۲۴۹.

۵. تالیفات شیعه در شبه قاره هند، ص ۱۵.

به جای پدر نشست. وی علاوه بر تعالیم علوم دینی با علوم جدید آشنا گردید. پس از سلطه انگلیس‌ها که فروغ علم و دانش در مرکز علوم اسلامی هند شهر لکنهو، به خاموشی گرایید و تمام ثروت علمی و اسلامی به یغما رفت، کتاب‌های زیادی توسط راجه محمد علی خان خریداری و به این کتابخانه منتقل گردید.^۱ تعداد کتاب‌های موجود در این کتابخانه حدود هشتاد هزار نسخه است که از این تعداد حدود دو هزار و پانصد نسخه خطی است. نسخه‌های خطی^۲ در محل اقامت خاندان ایشان در قیصر باغ لکنهو نگهداری می‌شود و نسخ چاپی تاکنون در کتابخانه بزرگ ایشان در قلعه محمود آباد محفوظ است.^۳

۶- کتابخانه رضا^۴

کتابخانه رضا در رامپور یکی از بزرگ‌ترین و غنی‌ترین کتابخانه‌های هند به شمار می‌آید، که مملو از کتاب‌های علوم شرقی است. به ویژه نسخه‌های خطی عربی، فارسی، اردو، ترکی، پشتو، سانسکریت و هندی بسیاری در آن وجود دارد؛ و در کنار اینها تعداد کتاب‌های چاپی به زبان‌های اروپایی و شرقی و هندی هم کم نیست. کتابخانه رضا سابقه دویست ساله دارد و بنیانگذار آن نواب فیض الله خان بهادر (۱۲۰۸ق / ۱۷۴۹م) است. در زمان نواب محمد سعید خان بهادر کتابخانه توسعه پیدا کرد. در همین زمان محل جداگانه‌ای برای کتابخانه در نظر گرفته شد و برای کتاب‌های آن مهری ساخته شد و روی کتاب‌ها ثبت گردید. صورت مهر چنین است: «هست این مهر بر کتب خانه، والی رامپور فرزانه، ۱۲۶۸ق / ۵۲ - ۱۸۵۱م). نواب محمد سعید خان

۱. همان، ص ۱۷

۲. رک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه راجه محمودآباد لکنهو، مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو.

۳. «کتابخانه‌های لکنهو»، ص ۱۹۳.

۴. علاوه بر این بر در شهر رامپور کتابخانه دیگری به نام رضائیه وجود دارد که توسط سرکار بهادر رضا علی خان نواب ساخته شده و حدود چهارده هزار نسخه خطی در موضوعات مختلف علم و ادب برای آن گزارش شده است. (رک: سیری در کتابخانه‌های هند و پاکستان، ص ۲۶۷)

۵. «کتابخانه رضا»، حسن رفیعی، ص ۷۵-۷۸، شهاب، س ۴، ۲، ش مسلسل ۱۲، تابستان ۱۳۷۷

با جمع‌آوری نسخه‌های خطی نادر و کمیاب، خوشنویسانی را از کشمیر به رامپور فراخواند و به کار نسخه‌برداری از کتاب‌ها مأمور ساخت.^۱

در سال ۱۳۰۴ق / ۱۸۸۷م نواب مشتاق علی خان زمام حکومت را به دست گرفت. او نیز مانند نیاکان خود به توسعه کتابخانه و جمع‌آوری کتاب‌ها علاقه نشان داد. در زمان او برای کتابخانه ساختمان جدیدی بنا گردید و بودجه جداگانه‌ای نیز در نظر گرفته شد.^۲

در زمان نواب حامد علی خان (۱۳۰۶ق - ۱۳۴۸ق) کتابخانه به ساختمان جدیدی منتقل شد. این ساختمان در سال ۱۳۰۹ق با هزینهٔ چهل هزار دینار رویه تکمیل شد و در سال ۱۳۱۰ کتابخانه به این ساختمان جدید منتقل گردید و استفاده از آن برای عموم مردم آزاد شد.^۳

رویکرد علمی- فرهنگی حاکمان مسلمان و رونق کتابخانه‌های مسلمانان هند

یکی از مهم‌ترین علل رشد و توسعه کتابخانه‌های مسلمانان در هند، حاکمان فرهیخته‌ای بود که افزون بر این که خود اهل علم و فرهنگ بودند به عالمان و توسعه علم و فرهنگ نیز بسیار توجه داشتند. این امر زمینه را برای ایجاد و گسترش کتابخانه‌ها فراهم کرد.

به دنبال حمایت‌ها و سیاست‌های علمی و فرهنگی حاکمان مسلمان در هند کتابخانه‌های زیادی شکل گرفت که محدود به کتابخانه‌های سلطنتی^۴ نبود و سایر موارد را نیز شامل می‌شد؛ مانند ۱. کتابخانه‌های مربوط به مدارس و مراکز تعلیم و تربیت؛

۱. تالیفات شیعه در شبه قاره هند، ص ۱۷.

۲. "کتابخانه رضا رامپور"، مهدی خواجه سروی، ص ۱۵۸، مشکوه، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۷۰.

۳. تالیفات شیعه در شبه قاره هند، ص ۱۸.

۴. حاکمان اسلامی در مرکز حکومت کتابخانه‌ای را تاسیس می‌کردند و مأموران و کتاب‌شناسان متخصص را به گردآوری آثار مهم ذی‌قیمت و نادر داخل و خارج هند می‌گماشتند. از این‌رو، امروزه کتابخانه‌های هندوستان در سراسر دنیا از لحاظ کمیت و کیفیت نسخه‌های خطی فارسی و عربی بی‌مانند است.

۲. کتابخانه‌های مخصوص مساجد و خانقاه‌ها^۱ و تکایا؛^۳ کتابخانه‌های شخصی حاکمان بخش‌های مختلف و امرای بلاد.^۲

بر این اساس کتابخانه و جمع‌آوری نسخ فارسی و عربی محدود به پایتخت و حاکمان نبود و تقریباً در همه شهرهای بزرگ هندوستان وجود داشت؛^۳ مانند کتابخانه ولایتی مدرس، آصفیه، سالار جنگ و کتابخانه نظام حیدر آباد، کتابخانه نواب رامپور، کتابخانه مهاراجه جیپور، کتابخانه انجمن آسیایی بنگاله در کلکته، کتابخانه دانشگاه علیگره، کتابخانه حبیب گنج نزدیک علیگره، کتابخانه مهاراجه محمودآباد در محمودآباد نزدیک لکنهو. در این بین کتابخانه خدابخش پتنه حاوی ۶۰۰۰۰ نسخه فارسی و عربی است که نسخه‌هایی بسیار نادر و گران قیمت در آن دیده می‌شود؛^۴ مانند نسخه‌ای از کتاب اللع ابونصر السراج (متوفای ۳۷۸) مستنسخ سال ۴۳۸ یا شاهنامه مذهب با ۲۷ مینیاتور نفیس که علی مردان خان به شاه جهان تقدیم کرده یا نسخه‌ای از دیوان سلمان ساوجی که ۳۳ سال بعد از وفات آن شاعر استنساخ شده یا دیوان صائب که در منزل خود شاعر در اصفهان هشت سال قبل از وفات آن شاعر نوشته شد.^۵

با توجه به تاثیر مهم و تعیین کننده حاکمان علم‌دوست مسلمان در گسترش علم در

۱. مثلاً در کنار بقعه مجلل قبر پیر محمد شاه (یکی از دانشمندان و عرفای گجرات) در وسط شهر احمدآباد مسجد و کتابخانه وجود دارد که در آن هزاران کتاب خطی فارسی و عربی وجود دارد. (ر.ک: سیری در کتابخانه‌های هند و پاکستان، ص ۱۰۹-۱۱۳).
 ۲. ر.ک: "کتابخانه مرکزی دانشگاه عثمانیه در حیدرآباد هند"، ابوالقاسم رادفر، ص ۹۸، مجله تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی، شماره ۳۸، ۱۳۸۱.
 ۳. درباره کتابخانه‌های هندوستان ر.ک: «کتابخانه‌های هندوستان»، ایرج افشار، ص ۲۳۴ و ۲۳۵، بیاض سفر، توس، ۱۳۵۴ ش؛ «کتابون کاتاج محل» امتیاز علی خان عرشی، رامپور رضا لائبریری، ص ۲-۶ آجل، سپتامبر ۱۹۶۷؛ جامعه عثمانیه، حسن الدین احمد، ادبی ترست حیدر آباد، حیدر آباد، ۱۹۸۸؛ «کتابخانه خدابخش»، شیروانی، ص ۹۳-۹۵، گنجینه نوادر علوم اسلامی، آریانا، ج ۳۰، ش ۱۱، ۱۳۵۰؛ بازدید از کتابخانه هندوستان، عبدالعزیز جواهر کلام، وزارت فرهنگ، تهران، ۱۳۶۲؛ «نگاهی به کتابخانه هردیال دهلی»، علیم اشرف، ص ۱۶۹-۱۷۸، مجله تحقیقات فارسی، (مدیر: بلقیس فاطمه حسینی)، بخش فارسی دانشگاه دهلی، ۱۹۹۶؛ کتابخانه اسکندریه، محمد شبلی نعمانی، ترجمه محمد تقی فخرداعی گیلانی، تهران، ارمغان، ۱۳۵۱؛ کتابخانه گنج بخش، فهرست کتابهای فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج بخش، عارف نوشاهی، اسلام آباد، ۱۳۶۹-۱۳۶۵ ش.

۴. ر.ک: سیری در کتابخانه‌های هند و پاکستان، ص ۲۱۴ و ۲۱۵.

۵. مجموعه مقالات، هادی حسن، ص ۲۵۲-۲۵۴، شورای روابط فرهنگی هندوستان، حیدر آباد دکن، ۱۹۵۶.

هند، عملکرد و سیاست علمی آنها را با نگاهی بر کتابخانه‌ها بررسی می‌کنیم.

۱- حمایت‌ها و اقدامات علمی تغلق‌شاهیان

در دوره نسبتاً طولانی حکمروایی تغلق‌شاهیان (۷۲۰ تا ۸۱۵ هجری قمری)، تحولات و پیشرفت‌های فرهنگی و اجتماعی خوبی روی داد.^۱

در زمان غیاث‌الدین تغلق یکم شمار بسیاری از شعرا و نویسندگان از حمایت سلطان برخوردار بودند.^۲ سلطان محمد نیز پشتیبان شعرا و ادبا بود. فیروزشاه همین روش را ادامه داد و برای صوفیان و دانشمندان مقرر تعیین کرد.^۳

در زمان سلطنت «محمد شاه تغلق» (۷۲۵ ق / ۱۳۲۵ م - ۷۵۲ ق / ۱۳۵۱ م) تنها در دهلی هزار مدرسه کوچک و بزرگ برای طالبان علم وجود داشت و در هر مدرسه ده‌ها طلبه به فراگیری علوم اسلامی مشغول بودند. در کنار اکثر مدارس کتابخانه‌هایی نیز برای استفاده مدرسین و طلاب بنا گردیده بود که به عنوان نمونه آثار مدرسه فیروزشاه تغلق در کنار حوض خاص در دهلی تاکنون پابرجاست.^۴

در کتابخانه وزیر محمدشاه (خواجه جهان گیلانی) سی و پنج هزار جلد کتاب راجع به علوم و فنون مختلف نگهداری می‌شد.^۵

۲- علم و عالم‌دوستی حاکمان مغول

در میان حکومت‌های اسلامی هند، سلاطین مغول بیشتر به فنون و علوم اسلامی علاقه نشان می‌دادند. ظهیر الدین محمد بابر (۹۳۷ق/۱۵۳۰م) سرسلسله شاهان مغول در هند مردی صاحب فضل بود و شعر می‌سرود.^۶ سر دنیسون راس خاطرات^۱ بابر را یکی

۱. ر.ک: "تغلق‌شاهیان"، هدی سیدحسین‌زاده، ج ۱۵، ص ۵۹۳ و ۵۹۴، ش ۶۰۰۶ مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران.

۲. تاریخ لکنهو، محمدقاسم فرشته، ج ۱، ص ۱۳۲، ۱۸۶۴م

۳. تاریخ فیروزشاهی، ص ۵۵۹ و ۵۶۰، ضیاءالدین برنی، چاپ عبدالرشید، علیگره ۱۹۵۷؛

۴. تالیفات شیعه در شبه قاره هند: معرفی ۱۲۵۰۰ کتاب از مولفین شیعه هند و پاکستان و بنگلادش به ۱۷ زبان: فارسی، عربی... سواحلی، شهوار حسن نقوی امروهوی هندی، ص ۸، قم: دلیل ما، ۱۳۸۴.

۵. محققین و منتقدین معروف زبان و ادبیات فارسی هند در قرن بیستم، آصفه زمانی، ص ۱۳۰ و ۱۳۱، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو، ۱۹۹۳.

۶. ر.ک: اکبرنامه، شیخ ابوالفضل مبارک، ج ۱، ص ۱۸۵، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، موسسه مطالعات و

از جذاب‌ترین و رمانتیک‌ترین آثار ادبی تمام اعصار می‌داند.^۲

وی کتابخانه‌ای عظیم در قصر خود برپا کرد و علما و هنرمندان را از گوشه و کنار برای رونق کتابخانه‌اش دعوت نمود. شدت ذوق و علاقهٔ بابر بر مطالعه آن قدر بود که شب‌ها پس از فراغت از امور سلطنتی برای مطالعه به کتابخانه می‌رفت و تا پاسی از شب به مطالعه می‌پرداخت و گاه در همانجا استراحت می‌نمود. وی دارای خطی زیبا بود و ابتکاری در خط به وجود آورد که به نام خط بابری شهرت یافت. مورخین تعداد کتب کتابخانهٔ بابر را ۵۲۲۴۰۰ نسخه ثبت کرده‌اند.^۳

در زمان سلطنت همایون (۹۳۷ق / ۱۵۳۰م - ۹۶۳ق / ۱۵۵۶م) فرزند بابر، به علت شوق شاه به علوم ادبی^۴، مجالس بزرگ علمی و ادبی در گوشه و کنار کشور و در حضور همایون برپا می‌گردید. وی از هفت تالاری که به نام هفت ستارهٔ بزرگ برای پذیرایی از میهمانانش بنا کرده بود، دو سالن به نام‌های زهره و مشتری را برای ملاقات با علما و دانشمندان و هنرمندان اختصاص داده بود. همایون اکثر اوقات فراغت را در کتابخانهٔ شخصی خود در پورانا قلعه (قلعه کهنه) به مطالعه می‌گذراند. در ۱۷ ربیع الاول سال ۹۳۶ق، هنگامی که همایون برای ادای نماز مغرب از کتابخانه خارج می‌شد از پله‌ها به زیر افتاد و همان باعث مرگ وی شد. عمارت کتابخانهٔ وی تاکنون در قلعه کهنه موجود است.^۵

در این ایام فراگیری علوم و فنون اسلامی تنها منحصر به مدارس نبود بلکه مساجد

تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲. دیوان اشعار بابر در سال ۱۹۱۰ به وسیله سر دنیسون راس به چاپ رسید. (زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، عبدالله شهیازی، ج ۱، ص ۹۵، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۷).

۱. عبدالرحیم خان خانان در سال ۱۵۸۹، این کتاب را به فارسی ترجمه کرد. در سال ۱۸۲۶ ویلیام ارسکین و جان لیدن ترجمه انگلیسی آن را منتشر نمود. ترجمه فارسی آن نخستین بار در سال ۱۳۰۸ق / ۱۸۹۰م به وسیله میرزا محمد مالک الکتاب کتابفروش شیرازی در بمبئی منتشر شد. (زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، ج ۱، ص ۹۵ و ۹۶).

۲. The Cambridge History of India. Sir Richard Burn [ed], P۲۰، Cambridge: University. Press. ۱۹۳۷، Vol.۴.

۳. تالیفات شیعه در شبه قاره هند، ص ۹.

۴. رک: ایران و جهان، از مغول تا قاجاریه، عبدالحسین نوایی، ج ۱، ص ۱۹۳ و ۱۹۴، تهران، هما، ۱۳۶۶.

۵. "کتابخانه‌های لکهنو"، مهدی خواجه‌پیری، ص ۱۷۳.

و خانقاه‌ها نیز آموزشگاه‌های علوم اسلامی بودند^۱ و در کنار بیشتر مساجد و خانقاه‌ها کتابخانه‌های عمومی وجود داشت^۲،

نمایان‌ترین دوره رشد فرهنگ و تمدن اسلامی در هند در زمان جلال‌الدین محمد اکبر (۹۶۳ق / ۱۵۶۶م - ۱۰۱۴ق / ۱۶۰۵م) پسر و جانشین همایون بود. وی هرچند خود در زمینه معارف و فنون اسلامی در رتبه پدرانیش نبود، ولی عشق و علاقه‌ای وافر به علوم و فنون مختلف داشت.^۳ روحیه علمی اکبر در جذب شاعران فارسی و تقویت ادبیات فارسی در هند حتی در بین هندوها بسیار موثر بود.^۴ این کار علاوه بر ابعاد فرهنگی از جهت سیاسی و اجتماعی نیز در ایجاد فضای تفاهم میان هندوان و مسلمانان نیز بسیار موثر بود.^۵

همچنین وجود بزرگانی چون ابوالفضل بن مبارک (۱۰۱۱ق / ۱۶۰۲م) و برادرش فیضی (۱۰۰۴ق / ۱۵۹۵م) و ملافتح‌الله شیرازی (۹۹۷ق) و قاضی نورالله شوشتری (۹۶۵ق / ۱۰۱۹م) و ابوالفتح گیلانی (۹۹۷ق) و عبدالرحیم خان خانان (۱۰۳۶ق)، زمینه توسعه فرهنگ و هنر اسلامی را بیش از هر زمان به وجود آورد. اکبرشاه نه تنها کتابخانه اسلافش را وسعت داد، بلکه با کاردانی و تشویق وی کتابخانه‌های زیادی توسط وزیران و درباریانش تأسیس گردید.
عبدالرحیم خان خانان کتابخانه بزرگی تأسیس کرد و از سراسر جهان اسلام علما،

۱. رک: تحول نثر فارسی در شبه قاره در دوره تیموریان متاخر، محمود هاشمی، ص ۳۱۵، انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۳۷۵ش/۱۹۹۶م

۲. شیخ عبدالحق محدث دهلوی (متوفی: ۱۰۵۲هـ / ۱۶۴۲م) در اخبار الاخبار در شرح حال سراج‌الدین می‌نویسد که وی از شاگردان مولانا رکن‌الدین و عارف بزرگ خواجه نظام‌الدین اولیاء (متوفی: ۷۲۵هـ / ۱۳۲۵م) بود و از کتابخانه خواجه که در جنب خانقاه وی بود استفاده نمود. (کتابخانه‌های لکنه‌و، ص ۱۷۳)

۳. زرسالازان یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، ص ۱۰۱.

۴. رک: مسلمانان هند بریتانیا، پی. هاردی، ترجمه حسن لاهوتی، ص ۳۱، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹.

۵. رک: پیوندهای فرهنگی ایران و هند در دوره اسلامی، فتح‌الله مجتباتی، ترجمه ابوالفضل محمودی، ص ۱۳۶ و ۱۳۵ و ۱۳۴، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۸۹.

هنرمندان، خطاطان و نقاشان را برای همکاری و رونق کتابخانه دعوت نمود. او برای اجرای وظایف مهم امارت خود، به گوشه و کنار شبه قاره مسافرت می‌کرد و با علما و نویسندگان روابط خوبی داشت و از نواحی مختلف کتاب‌های کمیاب و نفیس را به دست می‌آورد. در کتابخانه خان خانان نزدیک به تعداد کتابخانه سلطنتی (بیست و چهار هزار) کتاب وجود داشت.^۱

شاعره مشهور سلمه سلطانه خواهرزاده همایون که مادرش گلرخ بیگم بود، کتابخانه‌ای داشت که اکثر نسخ آن از نوادر بود. از کتابخانه‌های مهم دیگر این دوره، کتابخانه منعم خان، سپهسالار در جونپور، کتابخانه جهان بیگم در دهلی و کتابخانه فیضی در فتح پور سیکری (اکبرآباد) را می‌توان نام برد.^۲

در کتابخانه فیضی علاوه بر تألیفاتش که حدود صد و ده جلد بود، ۴۶۰۰ نسخه نادر هم نگهداری می‌شد. نواب النساء بیگم آنقدر شیفته کتاب بود که دیوان کامران را به قیمت سه مهر طلا خریداری کرد. این نسخه تاکنون در کتابخانه خدابخش در پتنه موجود است و بر صفحه اول آن این عبارت دیده می‌شود: «سه مهر طلا قیمت این خزانه است، نواب نور النساء بیگم».^۳

در زمان حکومت پادشاهان بعد از اکبر، چون جهانگیر (۱۰۲۴ق / ۱۶۰۵م - ۱۰۳۷ق / ۱۶۲۷م) و شاه جهان و اورنگ زیب نیز کتابخانه‌های عمومی و خصوصی تأسیس گردید. جهانگیر در سفرها کتابخانه‌های شخصی‌اش را با خود حمل می‌کرد. وی در سفرش به گجرات، هنگام ملاقات با علما و دانشمندان به آنان کتاب هدیه کرد.

جهانگیر مانند نیاکانش مردی فرهیخته، اهل ادب و فرهنگ بود و چنانکه خاطراتش نشان می‌دهد نویسنده‌ای چیره‌دست و به فارسی نیز اشعاری زیبا می‌سرود.^۴ در زمان او

۱. شرح احوال و آثار عبد الرحیم خان خانان، سید حسین جعفر حلیم، ص ۳۲۰، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۳۷۱ش.

۲. تالیفات شیعه در شبه قاره هند، ص ۱۰.

۳. "کتابخانه‌های لکهنو"، مهدی خواجه‌پیری، ص ۱۷۴.

۴. The Cambridge History of India. Sir Richard Burn [ed], P۱۸۰.

ادبیات فارسی بیش از پیش در هند گسترش یافت.^۱

در زمان شاه جهان هنر و معماری هند به اوج شکوفایی خود رسید و دربار هند بیش از گذشته به محل تکاپوی دانشمندان و هنرمندان به ویژه ایرانی بدل شد.^۲ اورنگ زیب پادشاه مقتدر^۳ و متدین^۴ گورکانی هند بود.^۵ او مطالعاتی گسترده داشت و تا زمان مرگ به کتاب عشق می‌ورزید. نامه‌های فراوان او تسلط وی را به شعر و ادب فارسی و متون عربی به اثبات می‌رساند.^۶ حتی حاکمان و گماشتگان او نیز چنین وصفی داشتند؛ مثلاً ابراهیم خان (حاکم بنگال در سال‌های ۱۶۹۷-۱۶۸۹) پیرمردی دانشمند و به تعبیر سر جادونات سرکار، "دوست‌دار بزرگ کتاب" بود.^۷

دختر اورنگ زیب، زیب النساء (۱۱۴۱ق / ۱۷۰۲م) شاعری خوش ذوق بود. کتابخانه شخصی وی دارای کتب متعدد در زمینه ادب و اخلاق بود و به امر وی کتاب‌های زیادی در زمینه معارف اسلامی تألیف و ترجمه شد. از جمله این کتاب‌ها «تفسیر ابوالفتوح» است که ملا صفی‌الدین آن را به فارسی ترجمه کرد و «زیب التفاسیر» نام نهاد. همچنین کتاب «انیس الحجاج» به دستور وی تألیف گردید.^۸ هر چند پس از ارتحال اورنگ زیب، دستگاه حکومت مغول به علت اختلاف بین

۱. زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، ص ۱۰۲.
۲. رک: ایران و جهان، از مغول تا قاجاریه، ج ۱، ص ۵۰۰-۵۰۲؛ اوپانیشاد (سر اکبر، سر الاسرار)، ترجمه محمد دارا شکوه، ص ۱۱۹ و ۱۲۰، به کوشش دکتر چند تارا و محمدرضا جلالی نائینی، تهران، علمی، ۱۳۶۸؛
The Oxford History of India. Vincent Smith, p۴۰۰, Oxford: Clarendon Press.
۳. او نخستین فرمانروای شرقی است که استعمار بریتانیا به جنگ با او برخاست و شکستی خفت‌بار را متحمل شد.
The Cambridge History of India. Sir Richard Burn [ed], p۲۲۲
۴. مرآت احمدی [در فتح گجرات]، علی محمد خان، ج ۱، ص ۲۶۳، بمبئی، مطبع فتح الکریم، ۱۳۰۶ق؛
The History of Gujarat. M.S.Commissariat. p۲۰۹, Bombay: Orient. Longmans. ۱۹۵۷.Vol.۲
۵. به همین دلیل هدف حمله‌های مغرضانه مورخین غربی و مستشرقین قرار گرفته است. (رک: مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان، سید علی خامنه‌ای (ترجمه و تألیف)، ص ۱۳ و ۱۴، انتشارات آسیا، تهران، ۱۳۴۷ش؛ زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، ص ۱۱۲-۱۱۴)
۶. The Cambridge History of India. Sir Richard Burn [ed], p۳۱۷-۳۱۸.
۷. Ibid, p۳۱۱.
۸. تالیفات شیعه در شبه قاره هند، ص ۱۰.

فرزندانش رو به ضعف نهاد ولی علم و دانش‌گرایی پادشاهان گورکانی تا پایان این سلسله و حتی در دوران ضعف و انحطاط آن نیز ادامه داشت. ابوالمظفر سراج الدین محمد (بهادر شاه دوم) هفدهمین و آخرین پادشاه گورکانی هند مردی دانشمند، شاعر و خطاط توصیف شده است که دارای برخی تالیفات مانند دیوان شعر و شرح گلستان سعدی بوده است.^۱ از میان پادشاهان این سلسله پس از مرگ اورنگ زیب، بهادر شاه ظفر، محمد شاه (۱۱۳۱ق / ۱۱۶۱م) و شاه عالم ثانی ذوق و شوق علمی و ادبی داشتند.

۳- توجه حاکمان شیعه در دکن به علم و فرهنگ

دولت بهمنی (۱۳۴۷-۱۵۱۸م) در منطقه دکن (جنوب هند) پس از انقراض به پنج دولت کوچک محلی تجزیه شد که سه مورد از آن شیعه بودند: نظام‌شاهی در احمدنگر، قطب‌شاهی در حیدرآباد (گلکنده) و عادل‌شاهی در بیجاپور. این دولت‌ها از اهمیت تاریخی و فرهنگی زیادی برخوردار بودند. در این دوران، شبه جزیره دکن، مانند دربار گورکانیان، مأوای فرهیختگان بود و نویسندگان و هنرمندان زیادی با حاکمان شیعی منطقه پیوندی استوار داشتند.^۲ در این دوران کتابخانه‌های معظمی در حیدرآباد و بیجاپور و احمدنگر برپا بود که پس از سلطه انگلیسی‌ها برخی از متون آن به موزه بریتانیا انتقال یافت.^۳

یوسف عادل شاه که هم عصر شاه اسماعیل صفوی (۱۸۹۵ق - ۹۱۵ق) است حکومت شیعیان را در بیجاپور بسط و رونقی تمام داد و در زمینه‌های علمی و ادبی و اخلاقی کارهای مهمی انجام داد.^۴ در اواخر حکومت گورکانیان نیز بار دیگر حکومتی شیعی در دکن شکل گرفت. نظام الملک دولت حیدرآباد دکن را در سال ۱۷۲۴م/۱۱۳۷ق تاسیس کرد که البته به رغم

۱. تاریخ دولت‌های اسلامی و خاندان‌های حکومتگر، استانی لین‌یل و دیگران، ترجمه صادق سجادی، ص ۵۴۱، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۰.

۲. ایران و جهان، از مغول تا قاجاریه، ص ۵۰۰.

۳. زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، ص ۱۴۰ و ۱۴۱.

۴. تالیفات شیعه در شبه قاره هند، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.

استقلال عملی دولتش، همواره خود را تابع دولت گورکانی دهلی می‌خواند.^۱ در دوران او بار دیگر شهر حیدرآباد به کانون شکوفای فرهنگ هند تبدیل شد. او نه تنها حامی بزرگ اندیشمندان و هنرمندان بود، بلکه خود نیز شاعر بود و دیوان اشعارش در دو جلد به چاپ رسیده است.^۲ وزیر این دولت عبدالرزاق شهناز خان (۱۷۰۰-۱۷۵۸م) مردی دانشمند و نویسنده‌ای بزرگ بود. او نویسنده کتاب معروف مآثر الامرا^۳ است که باکلند آن را مهم-ترین کتاب تاریخی که در سده هیجدهم در هند نوشته شده است می‌داند.^۴

هفتمین سلطان دولت حیدرآباد در این دوران، عثمان علی خان نام داشت. او مردی دانش‌دوست و ادب‌پرور بود. وی به گروهی از رجال علم و ادب در هندوستان و خارج مقرر می‌داد. ایشان مراکز علمی متعددی را ایجاد نمودند؛ مانند دانشگاه حیدرآباد و کتابخانه آصفیه که در آن بیش از ده هزار کتاب خطی در موضوعات مختلف علم و ادب نگهداری می‌شود.^۵

کتابخانه سالار جنگ نیز در حیدرآباد دکن از میراث علمی دولت حیدرآباد است که توسط تراب علی خان سالار جنگ تاسیس شده است.^۶ این کتابخانه بیش از هفت هزار کتاب خطی به زبان فارسی و عربی در موضوعات مختلف علمی و دینی دارد.^۷

۱. Indirect Rule in India; Residents and residency System ۱۷۶۴-۱۸۵۷, Michael H. fisher, p۳۸۷, Delhi: oxford University Press, ۱۹۹۱.

۲. The Encyclopaedia of Islam, new Edition: E. J. Brill, Vol. ۱, p۳۲۰, ۱۹۶۰.

۳. این اثر مهم به زبان فارسی و در یک دوره شش ساله خانه‌نشینی نوشته شده است و فرهنگ رجال هند به شمار می‌رود که زندگی‌نامه ۷۳۰ تن از شخصیت‌های سیاسی دوران گورکانی را در بر دارد. این کتاب در سال‌های ۱۸۸۷-۱۸۹۵م به کوشش مولوی عبدالرحیم و مولوی میرزا اشرف علی در سه جلد بزرگ در کلکته چاپ شد.

۴. Dictionary of Indian Biography, C. E. Buckland, p۳۸۵, London: Swan Sonnenschein & Co., ۱۹۰۶.

۵. ر.ک: سیری در کتابخانه‌های هند و پاکستان، عزیز الله عطاردی، ص ۱۷۵ و ۱۷۵، انجمن مخطوطات ایران و انتشارات عطارد، تهران، ۱۳۷۶.

۶. ر.ک: «دیباچه‌ای بر کتابخانه موزه سالار جنگ»، جواد رضوی، ترجمه محمد حسین ساکت، ص ۵۶۸-۵۷۸، وحید، دوره ۱۱، ۱۳۵۲.

۷. ر.ک: سیری در کتابخانه‌های هند و پاکستان، ص ۱۳۲.

۴- حکومت شیعه در اوده و رونق علمی مجدد شمال هند

هم‌زمان با ضعف حکومت مغول‌ها در دهلی در سال ۱۷۲۴ق/۱۷۲۲م، سعادت خان برهان الملک پس از رفع غائله در ایالت اوده به فرمانداری این منطقه منصوب گردید. وی شهر فیض‌آباد را مرکز فرمانروایی خود قرار داد. برهان الملک مردی علم دوست و از سادات نیشابور بود. با تأسیس حکومت اوده و خاموش شدن چراغ علم و دانش در دهلی، ایالت اوده مرکز علما، دانشمندان و مهد علوم و فنون اسلامی گردید و شمال هند بار دیگر رونق علمی خود را به دست آورد. در زمان آصف الدوله شهر لکنهو به کلی دگرگون شد؛ چهره‌ای ایرانی یافت، جمعیت آن بالغ بر ۳۰۰ هزار نفر شد و ابنیه بسیاری ساخته شد.^۱

سید عبد اللطیف بن ابی طالب بن نورالدین بن نعمت الله الحسینی الموسوی التستری که در سال ۱۱۳۴ق به لکنهو سفر کرده درباره خدمات آصف الدوله در سفرنامه‌اش چنین می‌نویسد:

سه لک^۲ کتب منتخب خوش خط پاکیزه که بر هر صد مجلد یک کس گماشته بود در کتابخانه او دیدم و اکثر را به تدریج سیر کردم از اقسام فنون و اصناف علوم عربی و فارسی و انگریزی نظم و نثر، تاریخ و دیوان در آنها بود و قطعات زیبا به قلم خوشنویسان اولین و آخرین و تصاویر مصوران ایران و هند و روم و فرنگ آنقدر داشت که به عمری از دیدن آنها فراغ حاصل نمی‌شد. مجلدات بسیاری از کتب علمی به نظر درآمدند چون شرایع و مدارک و مسالک و مفاتیح و کشکول و بعض مجلدات بحار الانوار که همه به خط مؤلفین بودند از کسی که کتابخانه در تحویل او بود شنیدم که هفتصد مجلد کتب علمی اند که به خط مصنفین اند و از کتابخانه سلاطین تیموریه بعد از تخریب سلطنت بدست او افتاده‌اند و الحق آن همه خزائن و دفائن و اسباب طلا

۱. Roots of North Indian Shi'ism in Iran and Iraq; Religion and State in Awadh. ۱۷۲۲-۱۸۵۹. J. H. Cole. p۹۴. Delhe: Oxford University Press. ۱۹۸۹;

همچنین بنگرید به: مرآت الاحوال جهان‌نما، آقا احمد بن محمدعلی بهبهانی، ج ۱، ص ۵۲۳، قم، انصاریان، ۱۳۷۳.

۲. سیصد هزار

و جواهری که داشت معامله با عشر عشیر کتابخانه او نمی‌کردند.^۱ آثار حکومت اوده به افزایش پرچم تشیع در هند منحصر نبود؛ بلکه عامل و انگیزه‌ای قوی برای پایداری تشیع در هند و علو منزلت آن و نشر معارفش گردید. آنان به اقامه مجالس عزای حسینی و بنای حسینیه‌ها و مساجد و مدارس و ساختن ابنیه‌ای شبیه مشاهد ائمه علیهم‌السلام به طور مفصل اقدام کردند. در زمان حکومت آصف الدوله ده‌ها کتابخانه در سراسر ایالت تاسیس گردید و علما و دانشمندان از سراسر هند و جهان اسلام به این منطقه روی آوردند.^۲

از میان پادشاهان اوده واجد علی شاه^۳ (۱۲۶۳ق / ۱۸۴۷م - ۱۲۷۱ق - ۱۸۵۶م) استعداد و علاقه بیشتری به مباحث علمی و ادبی داشت، به طوری که تعداد تألیفاتش از نثر و نظم به چهل و شش کتاب و رساله می‌رسد. کتابخانه سلطنتی در عهد وی دارای ۲۰۰ هزار جلد کتاب در زمینه‌های مختلف فرهنگ و معارف اسلامی بود. وی در اولین سال حکومت خود دستور داد تا فهرستی از کلیه کتاب‌های مورد نیاز کتابخانه سلطنتی تهیه گردد. سپس دستور خرید کتاب‌ها را صادر کرد. با صدور این فرمان، صدها نسخه دیگر به کتابخانه سلطنتی افزوده شد.^۴

استعمار انگلیس و افول کتابخانه‌های مسلمانان در هند

کتابخانه‌های بزرگ و گنجینه‌های پر ارزش مسلمانان هند با ضعف حکومت‌های اسلامی هند و نفوذ گسترده انگلیس رونق خود را از دست داد و متروکه شد. برکناری مسئولان و مدیران کتابخانه‌ها و روی کار آمدن افراد نالایق، سبب بی‌نظمی در کتابخانه‌ها شد و تعداد زیادی از کتب به علت بی‌توجهی، فقر و یا رفتار ددمنشانه عمال انگلیس تلف گردید. همچنین کتاب‌های نادر و نفیسی که در معرض دید انگلیسی‌ها بود به انگلستان

۱. "کتابخانه‌های لکنهو"، ص ۱۷۵ و ۱۷۶.

۲. ر.ک: "استعمار انگلیس و حکومت شیعی اود"، ص ۱۰۷.

۳. ر.ک: سلطان عالم واجد علی شاه، سید مسعود حسن رضوی، لکنهو، آل اندیا میر آکادمی، ۱۹۸۳م، (اردو).

۴. ر.ک: تألیفات شیعه در شبه قاره، ص ۱۲.

ارسال گردید و باقیمانده کتاب‌های نفیس تا سال ۱۸۵۷م از هند خارج شد.

آنچه از دستبرد حوادث روزگار و یغماگری انگلیسی‌ها باقی ماند، کتابخانه‌های شخصیت‌های علمی و بزرگانی بود که با انگلیس و سلطه آن بر هند مخالف بودند. آنان در ایامی که باقیمانده کتب کتابخانه‌های سلاطین در کنار معابر به صورت کیلویی به فروش می‌رسید، با فروش وسایل خود، حتی زیورآلات زنان بسیاری از کتب را از خطر نابودی نجات دادند. تعداد زیادی از نسخ خطی در کتابخانه‌های علما و بزرگان دیده می‌شود که مهر شاهان اوده (امجد علی شاه و واجد علی شاه) بر آنها ثبت گردیده است. مهاجرت بسیاری از مسلمانان به پاکستان نیز در افول حوزه‌های علمیه و کتابخانه‌های اسلامی بسیار موثر بود.

علل نابودی کتابخانه‌های هند و متفرق شدن کتاب‌ها سؤالی است که ذهن را به شدت به خود مشغول می‌کند. در این مورد دو پاسخ متفاوت داده شده است:

۱. برخی این امر را طبیعی و از عوارض اشغال و اضمحلال نظام سیاسی می‌دانند که حامی و ایجادکننده این نظام علمی بوده است. مثلاً سرجان استریچی مستشرق معروف تاریخ اوده معتقد بود که پس از خلع واجد علی‌شاه و تبعید وی (۱۸۵۷ م) به کلکته و سلطه انگلیسی‌ها بر این ایالت کتاب‌ها به علت عدم توجه تلف شد.^۱

اما این پاسخ با توجه به شرایط سیاسی و مسائل قبل و بعد از اشغال هند بسیار ساده-انگارانه به نظر می‌رسد که به هیچ عنوان بیان‌کننده افول علمی مسلمانان هند نیست.

۲. انگلیس با توطئه و طراحی قبلی بنا بر استعمار و تصاحب سرمایه‌های هند داشت و سرمایه‌های علمی در این بین از سرمایه‌های اقتصادی ارزش کمتری نداشت. تاریخ حاکی از آن است که حاکمان مسلمان و مقتدر هند هیچ اعتبار و جایگاهی برای کمپانی هند شرقی قائل نبودند. از این رو سفیر جیمس اول، پادشاه انگلیس بیش از دو سال در هند ماند تا شاید بتواند با جهانگیر شاه ملاقات کند ولی حتی موفق به دریافت دست‌خطی از او برای پادشاه انگلستان هم نشد.^۲ به تعبیر برخی مورخین

۱. ر.ک: "کتابخانه‌های لکنهو"، مهدی خواجه‌پیری، ص ۱۷۸، مجله مشکوه، بهار و تابستان ۱۳۶۷.

۲. ر.ک: مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان، ص ۱۳

اورنگ زیب کمپانی هند شرقی را در حد یک کک بر پشت فیل خود حس می‌کرد.^۱ او شورش و اغتشاش انگلیسی‌ها را در سال ۱۶۸۶م در بندر حقلی ایالت بنگال را به شدت سرکوب کرد به طوری که انگلیسی‌ها برای تداوم حضور و فعالیت اقتصادی خود در هند مجبور به پذیرش شرایط ذلت‌باری شدند.^۲

در تاریخ‌نگاری رسمی غرب^۳ و در آثار مورخین شرقی متأثر از آن و حتی نویسندگان هندی^۴، ادعا می‌شود که از آغاز تاسیس (۱۶۰۰م) تا اشغال بنگال (۱۷۵۷م) کمپانی هند شرقی شرکتی مرکب از تجار صلح‌جو بود که مطامع استعماری نداشت ولی جنگ سال‌های ۱۶۸۸-۱۶۹۰ انگلیس و هند سند محکمی است که اهداف و برنامه‌های استعماری انگلیس را در هند نشان می‌دهد و تحلیل‌های یک‌جانبه و مغرضانه را باطل می‌نماید. رام کریشنا ماکرجی می‌نویسد در سال ۱۶۶۲ رئیس دفتر کمپانی در سورت به کمیته سری لندن نوشت: "اکنون زمانه می‌طلبد که تجارت خود را با شمشیر کشیده پیش برید و در سال ۱۶۸۷، در آستانه جنگ با دولت هند، هیئت مدیره لندن به رئیس مرکز کمپانی در قلعه سن جرج (مدرس) نوشت: برای ایجاد چنان سیاست داخلی و قدرت نظامی و ایجاد و حفظ منبع درآمد بزرگی که بتواند تامین کننده آن باشد به یک مستعمره بزرگ خوش قوام و باثبات انگلیسی در هند نیاز است."^۵

کمپانی توسط حدود دویست سهامدار کوچک و بزرگ در ابتدای سده هفدهم با فرمان ملکه الیزابت تشکیل شده بود^۶ و دو هدف عمده را تعقیب می‌کرد: یکی تجارت

۱. The Honourable Company: A History of the English East India Company. John Keay, p۱۴۵-۱۴۶, London: HarroerCollins, ۱۹۹۱.

۲. ر.ک: زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، ص ۱۲۳-۱۳۳.

۳. "East India Companies", Randall M. Evenson, p۵۵۶, Americana, Vol.۹; The Oxford History of India, Vincent Smith, p۴۵.

۴. An Advanced History of India, R. C. Majumdar, H. C. Raychaudhuri, Kalikinkar Datta, p۶۳۸-۸۰۶, London: macmillan, ۱۹۵۳.

۵. The Rise and Fall of the East India Company, A Sociological, Ramkrishna Mukherjee, p۴۲, Bombay: Popular Prakashan, ۱۹۷۳.

۶. کمپانی هند شرقی، براین گاردنر، ص ۲۹، ترجمه کامل حلمی و منوچهر هدایتی خوشکلام، تهران، پژوه، ۱۳۸۳.

با شرق و دیگری سلطه بر مناطقی که یا به قول نویسنده مسلمان «بی صاحب» بود یا از طریق امتیازات یا خرید آنها به دست می آمد. کمپانی در سده هفدهم از یک طرف موفق شد مخالفان داخلی و رقبای خود در انگلستان - که عمدتاً به خاطر قرار گرفتن انحصار تجارت سودآور هند در دست کمپانی از آن ناراضی بودند - را کنار بزند و گذشته از آن با کسب امتیازاتی نظیر ضرب سکه، برپایی دادگاه های نظامی، اجازه جنگ و صلح و نگهداری ارتش و ناوگان دریایی مخصوص خود، عملاً به صورت یک حکومت سیار انگلیسی درآمد. کمپانی در طی نیمه اول سده هجدهم، با استفاده از شرایط نابسامان امپراتوری مغولان هند و استفاده ی زیرکانه از اختلافات قومی و مذهبی و با استفاده از سربازان بومی یا سپوی (برگرفته از کلمه سپاهی در زبان فارسی) جایگاه خود را در شبه قاره تثبیت کرد و در نهایت در نیمه ی دوم سده هجدهم از مقام یک شرکت به ظاهر تجاری، به حکمرانی بر هند تغییر جهت داد.^۲

به طور کلی استعمار بریتانیا دولت قدرتمند و باثبات اسلامی گورکانی را مانع بزرگی در سر راه اهداف توسعه طلبانه خود می دانست به ویژه پس از شکست سنگین از این دولت. لذا چاره کار را در تضعیف آن یافت و برای تحقق آن به تحریک و شورش اقلیت ها بر علیه مسلمانان پرداخت؛ مانند شورش هندوها به سرکردگی شیواجی در دکن و همچنین آشوبگری سیک ها در پنجاب.^۳

ضعف حکومت مرکزی زمینه را برای به قدرت رسیدن حکومت های محلی آماده کرد. این شرایط زمینه ای را فراهم کرد که استعمار بریتانیا نیز به عنوان یک بازیگر جدید در عرصه هند قدرت نمایی کند. تا جایی که در ژانویه ۱۷۵۷ به بنگال حمله کرد

۱. تحفه العالم و ذیل تحفه، میرعبدالطیف شوشتری، ص ۲۴۹، به کوشش صمد موحد تهران، طهوری، ۱۳۶۳.

۲. برای مطالعه بیشتر در مورد اهداف و برنامه های استعماری انگلستان در اضمحلال حکومت شیعی اود ر.ک: "استعمار انگلیس

و حکومت شیعی اود"، محمدحسین منظور الاجداد، منصور طرفداری، ص ۹۹-۱۰۹، شیعه شناسی، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۸۸.

۳. برای مطالعه بیشتر در این مورد ر.ک: زرسالاران بهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، ص ۱۳۶-۱۵۹. همین شورش ها در کنار روابط دلالتی تجاری سبب شد که کمپانی هند شرقی به ارتشی مسلح شود که دو سوم آن را افراد هندو تشکیل می دادند. جالب این است که استعمار بریتانیا از همین ارتش برای سرکوب قیام های مردمی و اشغال هند استفاده کرد.

(p۴۶۷, Vincent Smith. The Oxford History of India)

و این سرآغاز استقرار امپراتوری بریتانیا در هند و مشرق‌زمین بود به طوری که در سال ۱۷۶۵ پس از شکست شاه عالم دوم از انگلیس در بازپس‌گیری بنگال، دیوانی (وزارت) بنگال و بیهار به کمپانی هند شرقی اعطا شد.^۱

از اسناد و مدارک تاریخی استنباط می‌شود که سالها قبل از واقعه ۱۸۵۷ م توطئه‌های زیادی در راه دستیابی به کتابخانه‌های مسلمانان در هند توسط ایادی انگلیس وجود داشته است. در حقیقت سال‌ها قبل از خلع واجد علیشاه آخرین فرمانروای اوده ۱۸۵۷م انگلیسی‌ها تسلط کامل بر سراسر فرمانروایی اوده داشتند و شاهان با قدرت انگلیسی‌ها به حکومت می‌رسیدند، همچنین عزل و نصب‌ها به دست ایشان بود و شاه هیچ‌گونه اختیاری از خود در امور مملکت نداشت.^۲

در اواخر دوران حکومت واجد علیشاه که عملاً تمام امور بدست نمایندگان دولت انگلیس اداره می‌شد گروهی از مستشرقین از طرف نایب السلطنه انگلیس در هند برای بررسی اوضاع مسلمانان و کتابخانه‌ها انتخاب و به لکنهو اعزام شدند.

سر هنری ایلیت رئیس دفتر نایب السلطنه انگلیس در هند یکی از این افراد بود. وی مأمور شد تا کتابی درباره تاریخ اسلامی در هند تألیف کند. او برای انجام این مأموریت به شهرهای مختلف هند مسافرت کرد و با سوء استفاده از موقعیت خود، کتاب‌های نفیس زیادی را به زور یا با قیمت ناچیزی به دست آورد و به انگلستان منتقل کرد. در این سفر برخی افراد هندی نیز برای به دست آوردن مقام و مسئولیت با او همکاری کردند مانند میرزا وصی علی‌خان. البته این کتاب‌ها غیر از کتاب‌هایی بود که او از واجد علی شاه به عنوان هدیه دریافت کرد.

به‌رحال دکتر ایلیت به طرق مختلف و با استفاده از مقام و موقعیت خود توانست چندین هزار نسخه و رساله را با خود به انگلستان حمل کند. وی کلیه نسخ را تحویل موزه بریتانیا داد. در فهرست چارلس ریو که در سه جلد تنظیم شده بیشتر به کتابهائی

۱. The Oxford History of India. Vincent Smith. p۷۵

۲. "کتابخانه‌های لکنهو"، ص ۱۷۸

برخورد می‌کنیم که مهر شاهان اوده و امضای دکتر ایلیت بر آنها ثبت شده است. دکتر اشپرینگر در مقاله‌ای که راجع به مخطوطات تاریخی ایلیت در سال ۱۸۵۴ م نوشته به گوشه‌ای از کتابهایی که دکتر ایلیت با خود به انگلستان برد اشاره می‌کند.^۱

از شرق‌شناسان دیگری که قبل از برچیده شدن نظام حکومت شاهان اوده توسط انگلیسی‌ها برای بررسی کتابخانه‌های اوده به این ایالت فرستاده شد، دکتر اشپرینگر بود. وی در اصل اهل استرالیا بود که به علت تبحر در علوم شرقی به خدمت انگلیسی‌ها درآمد و به عنوان فهرست‌نگار کتابخانه‌های اوده به لکنهو فرستاده شد، وی در کارش موفق‌تر از دکتر ایلیت بود زیرا در عرض کمتر از دو سال بیش از ده هزار نسخه را بررسی و فهرست کرد و آنچه از نسخ مهمی که در منطقه اوده بود را شناسایی و قسمتی از آنها را به انگلیسی‌ها داد و تعدادی را با خود به آلمان برد. هرچند وی در مدت اقامتش در لکنهو فهرست نسخ خطی کتابخانه‌های سلطنتی اوده را تهیه و تنظیم کرد و گروهی این کار وی را خدمت به مسلمانان و علوم اسلامی دانسته‌اند، اما وی زیرک‌تر از آن بود که آنچه را که در کتابخانه‌ها مشاهده کرد ضبط کند، تا دیگران از اسرار کار وی آگاه شوند، وی همچنان که در استخدام انگلیسی‌ها بود و برای آنان کار می‌کرد تعداد زیادی از نسخ نفیس و نادر را از چشم انگلیسی‌ها دور نگه داشت و به کشورش آلمان برد. در فهرست‌نگاری نیز همین شیوه را به کار گرفت. وی پس از آنکه فهرست ده هزار نسخه از کتابخانه‌های اوده را آماده کرد آن را در چهار مجلد تنظیم کرد و جلد اول آن را در دو بخش کتاب‌های فارسی و اردو در هند به چاپ رسانید. از سرنوشت سه مجلد دیگر اطلاعی در دست نیست.^۲

تسلط استعمارگونه انگلیس بر هند، انسجام و تمرکز فرهنگی مردم را به هم ریخت و در این شرایط مردم به میراث و پشتوانه علمی خود چندان توجه نداشتند.

میرزا محمد نصیر در روزنامه خود می‌نویسد: «من و برادرم نظام الدین در یازدهم و

۱. ر.ک: همان، ص ۱۷۹ و ۱۸۰.

۲. ر.ک: همان، ۱۸۰.

دوازدهم آوریل سال ۱۸۵۸ وارد شهر لکنهو شدیم و در نزدیکی حویلی روشن الدوله در یک منزل اقامت گزیدیم. در خانه مخروبه‌ای که ما در آن اقامت داشتیم صدها نسخه قیمتی و اسناد پرارزش به صورت انباری در گوشه‌ای ریخته بود که از وقایع سال ۱۸۵۷ به جای مانده بود. همچنین در قیصر التواریخ^۱ آمده است که در این ایام در کنار کوچه‌ها و معابر کتاب‌های زیادی دیده می‌شد که به صورت کاغذهای باطله از خانه‌ها بیرون می‌ریختند و یا به دکاندارها برای بسته‌بندی کالا به قیمت ناچیز فروخته می‌شد. علامه خامه حسین نیشابوری در شرح حال خود می‌نویسد: "من به کتابی در تدوین عبات الانوار احتیاج داشتم و سالها در پی تهیه آن بودم و به تمام دوستانم در کشورهای دیگر برای تهیه آن سفارش کرده و نامه‌ها نوشته بودم تا آنکه خادم خانه روزی برای خرید به دکان بقال رفته بود و جنس آورده شده در کاغذی بود که نظر مرا جلب کرد چون به کاغذ نظر افکندم و بعضی از مطالب کتاب مورد نظر در ذهنم بود دریافتم که این ورقی از همان کتاب است. خادم را فرستادم و تمام کتاب را به قیمتی ناچیز برایم خریداری کرد."^۲

منشی ظهیر الدین^۳ در شرح حال خود می‌نویسد که من برای یک امر تحقیقی در زمان تبعید شاه، نامه‌ای به وی نوشتم و تقاضای کتابی را از کتابخانه سلطنتی نمودم واجد علی‌شاه در پاسخ نامه من چنین نوشت: تألیفات و تصنیفات عمده را سیل غارت یاغیان همچو خس و خاشاک در امواج تاراج چنان غرق ساخته که اثر حرفی از آنها باقی نیست.^۴

۱. قیصر التواریخ، سید کمال الدین حیدر حسینی، لکنهو، نولکشور، ۱۸۹۶م، (اردو).

۲. "کتابخانه‌های لکنهو"، ص ۱۸۱.

۳. ظهیر الانشاء، محمد ظهیر الدین خان بلگرامی، لکنهو، نولکشور، ۱۹۸۷م، (اردو).

۴. "کتابخانه‌های لکنهو"، ص ۱۸۳.

منابع

۱. "استعمار انگلیس و حکومت شیعی اود"، محمدحسین منظور الاجداد، منصور طرفداری، شیعه-شناسی، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۸۸.
۲. "تعلق شاهیان"، هدی سیدحسین زاده، ج ۱۵، ص ۵۹۳ و ۵۹۴، ش ۶۰۰۶، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران.
۳. "کتابخانه رضا رامپور"، مهدی خواجه سروی، مشکوه، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۷۰.
۴. "کتابخانه مرکزی دانشگاه عثمانیه در حیدرآباد هند"، ابوالقاسم رادفر، ص ۹۸، مجله تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی، شماره ۳۸، ۱۳۸۱.
۵. "کتابخانه‌های لکنهو"، مهدی خواجه پیری، مجله مشکوه، بهار و تابستان ۱۳۶۷.
۶. «مجموعه مقالات، هادی حسن، شورای روابط فرهنگی هندوستان، حیدرآباد دکن، ۱۹۵۶».
۷. «دیباچه‌ای بر کتابخانه موزه سالار جنگ»، جواد رضوی، ترجمه محمد حسین ساکت، ص ۵۶۸-۵۷۸، وحید، دوره ۱۱، ۱۳۵۲؛
۸. «کتابخانه رضا»، حسن رفیعی، شهاب، س ۴، ش ۲، ش مسلسل ۱۲، تابستان ۱۳۷۷
۹. اکبرنامه، شیخ ابوالفضل مبارک، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.
۱۰. اوپانیشاد (سر اکبر، سر الاسرار)، ترجمه محمد دارا شکوه، ج ۱، ص ۱۱۹ و ۱۲۰، به کوشش دکتر چند تارا و محمدرضا جلالی نائینی، تهران، علمی، ۱۳۶۸؛
۱۱. ایران و جهان، از مغول تا قاجاریه، عبدالحسین نوایی، تهران، هما، ۱۳۶۶.
۱۲. پیوندهای فرهنگی ایران و هند در دوره اسلامی، فتح الله مجتبائی، ترجمه ابوالفضل محمودی، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۸۹.
۱۳. تاریخ دولت‌های اسلامی و خاندان‌های حکومتگر، استانی لین پل و دیگران، ترجمه صادق سجادی، ص ۵۴۱، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۰.
۱۴. تاریخ فیروزشاهی، ضیاءالدین برنی، چاپ عبدالرشید، علیگره ۱۹۵۷؛
۱۵. تاریخ لکنهو، محمدقاسم فرشته، ۱۸۶۴م
۱۶. تاریخ مبارکشاهی، یحیی سپهرندی، به کوشش محمد هدایت حسین، کلکته، ۱۹۳۱م.
۱۷. تالیفات شیعه در شبه قاره هند: معرفی ۱۲۵۰۰ کتاب از مولفین شیعه هند و پاکستان و بنگلادش به ۱۷ زبان: فارسی، عربی... سواحلی، شهوار حسن نقوی امروهوی هندی، قم: دلیل ما، ۱۳۸۴.
۱۸. تحفه العالم و ذیل تحفه، میرعبدالطیف شوشتری، به کوشش صمد موحد، تهران، طهوری، ۱۳۶۳.
۱۹. تحول نثر فارسی در شبه قاره در دوره تیموریان متاخر، محمود هاشمی، ص ۳۱۵، انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۳۷۵/ش ۱۹۹۶م

۲۰. تکمله نجوم السماء، میرزا محمد مهدی لکهنوی کشمیری، مکتبه بصیرتی، قم.
۲۱. دو سند در مورد کتابخانه ناصریه هند، عبدالله غفرانی، مجله سفینه، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۸۷.
۲۲. زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، عبدالله شهبازی، ج ۱، ص ۹۵، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۷.
۲۳. سلطان عالم واجد علی شاه، سید مسعود حسن رضوی، لکنهو، آل اندیا میر آکادمی، ۱۹۸۳ م، (اردو).
۲۴. سیری در کتابخانه‌های هند و پاکستان، عزیز الله عطاردی، انجمن مخطوطات ایران و انتشارات عطارد، تهران، ۱۳۷۶.
۲۵. شرح احوال و آثار عبد الرحیم خانخانان، سید حسین جعفر حلیم، ص ۳۲۰، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۳۷۱ ش.
۲۶. ظهیر الانشاء، محمد ظهیر الدین خان بلگرامی، لکنهو، نولکشور، ۱۹۸۷ م، (اردو).
۲۷. فتوحات فیروزشاهی، فیروزشاه، به کوشش شیخ عبدالرشید، علیگره، ۱۹۵۴ م؛
۲۸. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ممتاز العلما (للکهنو - هند) با گزارشی از خاندان علمی غفران ماب، صادق حسینی اشکوری، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۵.
۲۹. فهرست نسخه‌های خطی [کتابخانه‌های هند]، مرکز تحقیقات زبان فارسی درهند، دهلی نو، ۱۳۶۴ - / ۱۹۸۶ م؛
۳۰. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه راجه محمودآباد لکهنو، مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو.
۳۱. قیصر التواریخ، سید کمال الدین حیدر حسینی، لکنهو، نولکشور، ۱۸۹۶ م، (اردو).
۳۲. کمپانی هند شرقی، براین گاردنر، ترجمه کامل حلمی و منوچهر هدایتی خوشکلام، تهران، پژوه، ۱۳۸۳.
۳۳. محققین و منتقدین معروف زبان و ادبیات فارسی هند در قرن بیستم، آصفه زمانی، ص ۱۳۰ و ۱۳۱، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو، ۱۹۹۳.
۳۴. مرآت احمدی [در فتح گجرات]، علی محمد خان، بمبئی، مطبع فتح الکریم، ۱۳۰۶ ق؛
۳۵. مرآت الاحوال جهان‌نما، آقا احمد بن محمدعلی بهبهانی، قم، انصاریان، ۱۳۷۳.
۳۶. مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان، سید علی خامنه‌ای (ترجمه و تالیف)، ص ۱۴ و ۱۳، انتشارات آسیا، تهران، ۱۳۴۷ ش؛
۳۷. مسلمانان هند بریتانیا، پی. هاردی، ترجمه حسن لاهوتی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹.
۳۸. میراث مشترک ایران و هند: کتابهای چاپی کهن فارسی و عربی شبه قاره در کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)، علی صدراپی خویی با همکاری ابوالفضل مرادی، حجت ذبیحی‌فر، زیر نظر محمود مرعشی نجفی، کتابخانه بزرگ حضرت آیه‌الله‌العظمی مرعشی‌نجفی، گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی، قم، ۱۴۳۴ ق. = ۲۰۱۳ م. = ۱۳۹۲.
۳۹. نزهة الخواطر، عبدالحی حسینی ترمذی، دار ابن حزم، بیروت، لبنان، ۱۴۲۰ ق.

۴۰. "East India Companies". Randall M. Evenson. Americana. Vol.۹;
۴۱. An Advanced History of India. R. C. Majumdar. H. C. Raychaudhuri. Kalikinkar Datta. London: macmillan. ۱۹۵۳.
۴۲. Dictionary of Indian Biography. C. E. Buckland. London: Swan Sonnenschein & Co., ۱۹۰۶.
۴۳. Indirect Rule in India; Residents and residency System ۱۷۶۴-۱۸۵۷. Michael H. fisher. Delhi: oxford University Press. ۱۹۹۱.
۴۴. Roots of North Indian Shi'ism in Iran and Iraq; Religion and State in Awadh. ۱۷۲۲-۱۸۵۹. J. H. Cole. p۹۴. Delhe: Oxford University Press. ۱۹۸۹;
۴۵. The Cambridge History of India. Sir Richard Burn [ed]. Cambridge: University. Press. ۱۹۳۷. Vol.۴.
۴۶. The Encyclopaedia of Islam. new Edition: E. J. Brill. Vol. ۱. ۱۹۶۰.
۴۷. The History of Gujarat. M.S.Commissariat. p۲۰۹. Bombay: Orient. Longmans. ۱۹۵۷.Vol.۲
۴۸. The Honourable Company: A History if the English East India Company. John Keay. London: HaroerCollins. ۱۹۹۱.
۴۹. The Oxford History of India. Vincent Smith. p۴۰۰. Oxford: Clarendon Press.
۵۰. The Rise and Fall of the East India Company. A Sociological. Ramkrishna Mukherjee. p۴۲. Bombay: Popular Prakashan. ۱۹۷۳.

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی